



۲۰۱۸/۰۱/۰۷

دوکتور نوراحمد خالدي

آیا ما فرهنگ خراسانی خود را از دست داده ایم؟

شخصی با تخلص خراسانی نوشته است که "افغان سازی" تدریجی از زمان عبدالرحمن خان شروع شده که هدف آن زدودن هویت خراسانی این سرزمین است! آیا این ادعا درست است؟ قبل از پشتونها در این سرزمین صفویها و بابرینا برای دو صد سال حکومت کردند و قبل از آنها هم ترکتباران برای نزدیک به هشتصد سال در حکومت بودند. لازم است پرسید که چه عناصر فرهنگی خراسانی در دوصد سال حاکمیت صفویها و هشتصد سال حاکمیت ترکتباران قبل از صفویها محفوظ بود که پشتونها آنرا از زمان حاکمیت خود از میرویس خان و احمدشاه ابدالی به اینطرف به تدریج زدوده اند که تعدادی حسرت آنرا میخورند؟

چه عناصری شامل این هویت خراسانی بود که حالا وجود ندارد؟ مهمترین عنصر یک فرهنگ زبان آن است. سه صد سال قبل زبان مردم خراسان چه بود؟ میدانیم که زبان مردم خراسان سه صد سال قبل دری بود! آیا تناسب دری زبانها به نفع زبان پشتو برهم خورده است؟ بر عکس، با وجود حاکمیت پشتونها، در این سه صد سال به تعداد نسبی دری زبانها در افغانستان به تناسب پشتو زبانها بطور قابل ملاحظهء افزوده شده است. این امر علل گوناگون دارد که مهمترین آنها ازدواجهای مختلط بخصوص تعداد زیاد مردان پشتون با خانمهای دری زبان، تعلیم و تربیه مؤسسات تعلیمات عالی بزبان دری، و جدا کردن دو سوم نفوس پشتونها از بیکره افغانستان با ایجاد خط دیورند میباشد. اعلیحضرت تیمورشاه با انتقال پایتخت از قندهار به کابل زبان دری را به مثابه زبان کتابت رسمی دولت بنیاد نهاد که تا امروز همچنان پابرجاست. حاکمان پشتون تبار بارکزیایی، سدوزایی، محمدزایی و غیره با زندگی طولانی در محیط شهری دری زبان، زبان اجدادی خود را از دست دادند و دری زبان شدند.

آیا حالا مردم به کتابهای ادبیات زبان دری کمتر دسترسی دارند؟ آیا مطالعه آثار حافظ، سعدی، بیدل، مولانا، فردوسی ممنوع یا محدود شده است؟ آیا تجلیل از نوروز و گل سرخ مزار ممنوع بود؟ آیا شاهنامه خوانی، بیدل خوانی ممنوع بود؟ آیا از کتابهای تاریخی رسمی و تدریسی ما تاریخ اسطوره کیانیان و پیشدادیان بلخ حذف شده بودند؟ آیا در مکاتب ما از زردشت و دین او خبری نبود؟ آیا اسمهای آریانا و خراسان از کتابهای تاریخی ما حذف شده بودند؟ آیا تدریس دورانهای تاریخی طاهریان، صفاریان، سامانیان، غزنویان، غوریان، مغولها، تیموریان و بابر در کتابهای مکاتب ما ممنوع بود؟ این دورانها تاریخ مشترک تمام مردمان منطقه از جمله ترکتبارها، تاجکتبارها و پشتونهاست که به یک قوم و یک ملت خاص مربوط نمیشود. آیا پوشیدن چین ازبکی، بازی بزکشی ترکمنی/ازبکی، قرصک پنجشیری، موسیقی بدخشی، موسیقی هزارگی، پیروی از مذهب شیعه، اسماعیلی و امثالهم ممنوع بودند؟

چه عناصر فرهنگی خراسانی را پشتونها در زمان حاکمیت خود از میرویس خان و احمدشاه ابدالی به اینطرف به تدریج زدوده اند؟ معلوم است که هیچکدام! پذیرش فرهنگ دری برای پشتو زبانها بسیار سهل و قابل قبول بود تا برعکس آن. متأسفانه تعصب در مقابل زبان پشتو و فرهنگ پشتو در مناطق تاجک نشین مانع توسعه زبان پشتو در میان آنها گردید. متعصبین تاجک این امر را به برتری دری از نظر قواعد زبانی و غنای ادبیات دری میدانند. در غنای ادبیات دری شکی وجود ندارد از آنجاییکه دری به عنوان زبان تفاهم اقوام بکار رفته است مانند زبان اردو در نیمقاره هند. اما غنای گرامری و برتری دستوری زبان پشتو به زبانشناسان هویداست تا جاییکه حتی در تفسیر و گشودن رمز کتیبه های تاریخی زبان تخاری رباطک از پشتو بهتر میتوان استمداد جست. در تمام دهات و قریه های مناطق پشتون نشین کشور در مساجد ملاها به اطفال در پهلوی قرآن شریف، پنج کتاب و امثالهم به تدریس بوستان و گلستان سعدی میپرداختند و اشعار حافظ را تدریس میکردند. این سنت مفید سبب آن شده که بسیاری از جوانان پشتو زبان به آسانی زبان دری را فراگیرند و زمانیکه به جوانی رسیدند و شامل مؤسسات تعلیمات عالی شدند به راحتی بتوانند با زبان دری به فراگیری علوم پردازند.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنې د لیکنيزې بڼې پاڼوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

اسمها و مقوله هایی مانند "افغانستان"، "ملت افغان"، "هویت ملی"، "ارزشهای ملی" و امثالهم به تدریج و با گذشت زمان و باتکامل دولت و جامعه شکل گرفته و عام شدند. اگر کسی در مطبوعات صدسال قبل در جستجوی یافتن "ملت افغان" باشد راهش به ترکستان است زیرا اینگونه مقوله ها مربوط به قرن بیستم و بعد از آن است. بطور رسمی از اسم "افغانستان" بار اول در مکتوب رسمی وزیر اعظم دولت قاجاری فارس به وزیر اعظم زمانشاه، ۱۲ سال قبل از سفر منتستوارت الفونستون به دربار شاه شجاع و ۴۰ سال قبل از بکار بردن رسمی این نام توسط لارد آکلند و ایسرای هند برطانوی، تذکر بعمل آمده نشان میدهد که این اسم در آنزمان، دو دههء اخیر قرن هژدهم میلادی، رایج بوده و زمانشاه خود را امیر افغانستان میگفته است. به همینگونه است بکار گرفتن اسم زبان "دری". به تعریف فرهنگ عمید دری نام زبانی است که از خراسان برخاسته و بعد از زبان پهلوی با تغییر اندکی فارسی امروز از آن بوجود آمده است. به تأیید استاد ملایری اعراب زبان پهلوی را بر انداختند و مردم ایران زبان مردم خراسان را پذیرفتند. بنابر آن میبینیم که دری نام اصلی و اولی زبان مردم خراسان است. اینکه آنرا در ایران به "فارسی"، "پارتی" و یا "پارسی" نسبت داده اند و ادامهء زبانهای امپراطوریهای هخامنشیها و ساسانیها میدانند ناشی از فرهنگ حاکم شوونیستی ناسیونالیستی ایرانیها میباشد. نباید فراموش کرد که در سرزمینهای افغانستان امروزی برای دو صد سال صفویها حکم راندند و آنها زبان دری را زبان فارسی میگفتند. بنابر آن درج اسم زبان دری به عنوان یکی از زبانهای رسمی دولت افغانستان در کنار پشتو در قانون اساسی سال ۱۹۶۴م نه تنها خلاف فرهنگ خراسانی نبوده برعکس تأکید رسمی بر فرهنگ و زبان اصلی اجدادی مردم خراسان است که ایرانیان با عداوت و خودخواهی و دزدی فرهنگی آنرا به فارس نسبت داده و فارسی نامیده اند!

از مباحثهء بالا نتیجه میگیریم که نه تنها هیچ عنصر فرهنگ خراسانی در سه صد سال گذشته در افغانستان از میان نرفته بلکه برعکس به اهمیت آنها افزوده شده است. در حقیقت فرهنگ رسمی و حاکم افغانستان که در طول سه صد سال گذشته به تدریج هویت مشخص ملی ما را شکل داده است مجموعهء از ارزشهای فرهنگ دری خراسانی و اساسات پشتونولی و دین اسلام حنفی میباشد. این هویت ملی مشخص ملت افغانستان است که آشکارا با هویت کشورهای همسایه متفاوت بوده و در آن عناصر فرهنگی تمام اقوام کشور موجود است.

د پانیو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په ځير و لولۍ